



امر به معروف از ضروریات است، اما اجرای درست آن نیز از ضروریات است

ما باید امر به معروف و نهی از منکر را به معنای مجبور کردن ندانیم، بلکه به معنای راهنمایی کردن و وادار کردن بدانیم که کار خدا همین است و کار ما هم باید همین باشد و این راهنمایی و وادار کردن اصلاً نیازی به زور و اجبار ندارد، زیرا انسان با زور و اجبار راهنمایی نمی شود، بلکه سرکوب می شود و از انسانیت در می آید.

ما باید امر به معروف و نهی از منکر را به معنای مجبور کردن ندانیم، بلکه به معنای راهنمایی کردن و وادار کردن بدانیم که کار خدا همین است و کار ما هم باید همین باشد و این راهنمایی و وادار کردن اصلاً نیازی به زور و اجبار ندارد، زیرا انسان با زور و اجبار راهنمایی نمی شود، بلکه سرکوب می شود و از انسانیت در می آید.

به گزارش خبرگزاری مهر، دکتر سیدیحیی یثربی، مفسر قرآن و استاد بازنشسته فلسفه دانشگاه علامه طباطبائی در یادداشتی به بررسی امر به معروف و نهی از منکر و فلسفه آن پرداخته است که اکنون متن کامل آن از نظر شما می گذرد.

فلسفه ی امر به معروف و نهی از منکر

هم اکنون در جامعه ی ما، در چگونگی امر به معروف و نهی از منکر اختلاف است و برداشت های گوناگونی از آن ها دارند. من که این برداشت ها را پیگیری می کنم، به این نتیجه رسیده ام که هنوز عده ای، معنای دقیق امر به معروف و نهی از منکر را نمی دانند. به همین دلیل بر خود لازم می دانم که با یک نگاه فلسفی، یعنی با تجزیه و تحلیل عقلانی، معنای امر به معروف و نهی از منکر را روشن ساخته و چگونگی انجام این دو وظیفه ی بزرگ را در نظام اسلامی توضیح دهم، تا مبدا کج فهمی دانسته یا ندانسته عده ای و وسوسه های کسانی که هدفی جز ایجاد اسلام هراسی ندارند، در ذهن جوانان کم تجربه ما، ایجاد شبهه کند.

ما معمولاً، واژه امر و نهی را با قدرت و برتری همراه می سازیم، یعنی این گونه فکر می کنیم که امر و نهی همیشه از طرف کسی است که می تواند به طرف دیگر دستور دهد. مانند امر و نهی شاهان و امیران به رعیت و فرمان بران. آیا واقعاً معنای امر و نهی این است که یک نفر از جایگاه برتر، به دیگری دستوری صادر کند و او را مجبور سازد که کاری را انجام دهد و یا از انجام دادن کاری خودداری کند؟! من نمی خواهم بر سر معنای لغوی واژه ها چون و چرا کنم، هدف من توضیح عقلانی مسأله است که در اسلام همه کارها براساس عقل استوارند، تا جایی که علمای دین، احکام شرع را پشتوانه ی اجرای احکام عقل می دانند.

چون در معنای امر و نهی نوعی اجبار را دخالت می دهیم، برخی از اهل کلام از جمله خواجه نصیرالدین طوسی، امر به معروف و نهی از منکر را بر خدا واجب نمی دانند و دلیل شان هم این است که اگر امر به معروف و نهی از منکر بر خدا واجب می شد، باید خداوند همه ی مردم را مجبور می کرد تا مؤمن و درستکار باشند. (مراجعه کنید به تجرید خواجه نصیر طوسی، مقصد ششم، مسأله ی شانزدهم)

در حالی که ما می بینیم، همه ی مردم چنین نیستند و از این جا می فهمیم که امر به معروف و نهی از منکر بر خداوند واجب نیست. به نظر من دیدگاه چنین کسانی درست و منطقی نیست، زیرا آنان از یک نکته مهم غفلت کرده اند و آن این که رابطه ی خدا با مردم بر دو گونه است: رابطه ی تکوینی و رابطه ی تشریعی.

در رابطه تکوینی، خداوند کارها را در اختیار خود دارد و با قوانین ویژه کار موجودات جهان را تدبیر می کند. رویش گیاهان و زندگی و مرگ انسان ها، همه براساس این قوانین اداره می شوند، اما در حوزه دین و شریعت، رابطه ی خداوند با انسان براساس راهنمایی استوار است. خداوند انسان را به عنوان یک موجود آزاد و آگاه به راه راست هدایت می کند و نسبت به گمراهی ها هشدار می دهد. بدیهی است که در چنین رابطه ای اجبار و اکراه جایی ندارد، آنچه مهم است گفتگو با انسان است و هدف همه بعثت ها، ابلاغ پیام خداوند و بشارت و انذار است، یعنی خداوند با پیام خود به انسان که موجودی است آگاه و آزاد، اطلاع رسانی می کند و با هدایت او به راه راست، او را به سرانجام نیک در دنیا و آخرت مژده می دهد و در عین حال او را هشدار می دهد که به بیراهه نرود تا در دنیا و آخرت زیان نبیند.

بنابراین ما باید امر به معروف و نهی از منکر را به معنای مجبور کردن ندانیم، بلکه به معنای راهنمایی کردن و وادار کردن بدانیم که کار خدا همین است و کار ما هم باید همین باشد و این راهنمایی و وادار کردن اصلاً نیازی به زور و اجبار ندارد، زیرا انسان با زور و اجبار راهنمایی نمی شود، بلکه سرکوب می شود و از انسانیت در می آید.

انسان تا انسان است، خدا حرمت او را نگه می دارد و با او به عنوان یک طرف معتبر سخن می گوید و حتی در روز قیامت نیز به او حق استدلال می دهد و لذا بر آن می کوشد تا بر انسان حجت تمام شود، حتی به رسول خدا در آیه هایی که سرا پا معجزه اند، با بیان روشن توضیح می دهد که در مقابل منکران شکبیا باشد و اذیت و آزار را تحمل کند، وگرنه اگر اجبار لازم بود، خود خدا می توانست، همه ی جهانیان را با ایمان و درستکار سازد. به این آیه ها (سوره ی انعام، آیه های 33 تا 35) توجه کنید و آن ها را بارها و بارها بخوانید تا به درک درست برسید. «به یقین می دانیم که سخن آنان تو را اندوهگین می سازد. آنان نه این که تو را باور ندارند، بلکه آن ستم کاران آیات خدا را انکار می کنند!» (33)

پیش از تو نیز فرستادگان دیگر را باور نکردند و این فرستادگان در برابر نابوری آنان شکبایی کردند و آزار دیدند تا این که به فریادشان رسیدیم و هیچ کس نمی نواند سخن خدا را تغییر دهد و تو بی تردید سرگذشت فرستادگان را شنیده ای. (34) و اگر روی گردانی آنان بر تو گران آید، اگر می توانی شکافی در زمین یا نردبانی به آسمان پیدا کن تا بلایی بر سر آنان بیاوری. اگر خدا

می‌خواست همگان را هدایت می‌کرد. زنه‌ار که از نادانان نباش! (35)» این است فرق یک دین عقلانی و درست که به انسان اصالت و اعتبار می‌دهد، با دین غیر عقلانی که انسان را ذاتاً گنه‌کار می‌داند و هرگاه بخواهد و بتواند، با شکنجه و آزار، روح او را از دست شیطان نجات می‌دهد. (بنگرید به رفتار کلیساییان در قرون وسطی)

در پایان سه نکته را یادآور می‌شوم:

یکی این‌که بدون تردید، امر به معروف و نهی از منکر، عقلاً و شرعاً واجب است و با تأکیدی که قرآن و حدیث بر آن دارند، می‌توان آن را از ضروریات شمرد.

دوم این‌که، باید به این نکته توجه کنیم که امر به معروف و نهی از منکر، از طرف خدا و پیشوایان معصوم (ص) و مردم، به معنای اجبار نیست، بلکه به معنی هدایت و واداشتن است و به عبارت دیگر به معنای فرا خواندن به اجرای معروف و ترک منکر است.

سوم این‌که، چنان‌که در آیه‌های بالا آمده، ما باید به آسانی حرمت مردم را نشکنیم و با قدرت و سلطه برخورد نکنیم، بلکه خودمان در راه دعوت و هدایت مردم شکلیا باشیم و رنج ببریم و زحمت بکشیم. چنان‌که شیوه‌ی همه‌ی پیامبران این بود.

دریغ! که ما از این نکته غافلیم؛ ما می‌خواهیم خودمان راحت باشیم و به دلخواه خودمان رفتار کنیم و در صورت لزوم با مردم نیز با قدرت برخورد کنیم. ما باید بیش از زبان، با رفتارمان به هدایت مردم بپردازیم.

جوانان ما ببینند که مسئولان کشور ذره‌ای در فکر جاه و مال نیستند و شب و روز غصه‌ی مردم را می‌خورند. این را باید در عمل نشان دهیم. جوانان ما ببینند که ما چقدر قانعانه زندگی می‌کنیم. خانه و زندگی‌مان و وسیله‌ی رفت و آمدمان در حد طبقه‌ی محروم است. این‌ها مردم را هدایت می‌کند.

اما اگر ما در کاخ‌ها بنشینیم و ثروت اندوزی کنیم و تن به تجمل و تشریفات بدهیم، حتی از خیر فرش قرمز و ماشین‌های تشریفاتی و استقبال و بدرقه‌ی ساختگی خودمان، صرف نظر نکنیم، از جوانان جامعه چه انتظاری می‌توانیم داشته باشیم!

بار دیگر شما را به دقت در آیه‌های بالا سفارش می‌کنم، مخصوصاً به آن‌که انبیاء شکلیا بودند و آزار دیدند. آیا مسئولان ما چنین صفتی دارند؟ آیا ما به وظیفه‌ی خود عمل کرده ایم که سیلی به صورت دیگران بزنیم؟ امر به معروف از ضروریات است، اما اجرای درست آن نیز از ضروریات است.

با آرزوی توفیق همه‌ی کسانی که در راه امر به معروف و نهی از منکر، به وظیفه‌ی خود عمل کنند.

والسلام

دکتر سید یحیی یثربی